



مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام نهم

دین داری سیاسی مردم ایران توانست مانع از وقوع یک بحران سیاسی و امنیتی بنیادین در کشور شود.



در تبلیغات دشمنان، سال ها از چیزی به نام اسلام سیاسی نام آورده می‌شد که به معنی همین اسلامی است که توانسته در ایران با تشکیل حکومت، دستگاه‌های گوناگون، نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و غیره، یک هویت دینی و اسلامی را برای یک ملت تحت یک پرچم واحد ایجاد کند. این تبلیغات، مردم را بازپچه جریان خاص معرفی می‌کرد که توانسته بود با ترویج دین دولتی، منافع خودش را از جیب مردم استیفا کرده و در مقابل، عایدی برای آنها نداشته باشد. اما جنگ اخیر میان ایران و آمریکا، همچون یک آزمایشگاه واقعی، نشان داد که اتفاقاً اسلام سیاسی به معنای واقعی کلمه، کارآمدترین صورت دین داری در میدان مقابله با مستکبران جهانی است که می‌تواند در عین حفظ منافع مردم در مقابل دشمنان اسلام و انسانیت نیز نقش‌آفرینی موثر داشته باشد. حقیقت این است که آنچه در جنگ اخیر، مردم را به صحنه نقش‌آفرینی مؤثر در حوزه‌های متنوع وارد کرد، اجبار حاکمیت یا صرفاً احساسات ملی نبود، بلکه اعتقاد به جهاد و دفاع از کیان و ارزش‌های اسلامی و ایستادگی در برابر ظلم و مستکبر بود که مستقیماً از اسلام سیاسی انقلابی مایه می‌گرفت. دشمن با ترکیبی از عملیات نظامی، آشوب‌های خیابانی و جنگ شناختی، سعی در ایجاد فروپاشی در انسجام داخلی کشور داشت تا به هدف بلعیدن و تجزیه ایران دست پیدا کند. اما تجربه ثابت کرد که نسخه اسلام سیاسی و ولایت‌فقیه، توانست به عنوان یک گفتمان زنده و پاسخ‌گو برای همه بحران‌های سیاسی، امنیتی و هویتی جامعه و نخ تسبیج و حدت ملی ایرانیان عمل کند و همچون سپری، ذهن‌ها و قلب‌ها را از تردید مصون داشته و با به صحنه آوردن مردم، اجازه ندهد که کشور دچار بحران سیاسی و امنیتی بنیادین شود. در واقع این اتفاقات ثابت کرد که آنچه روزی سوءاستفاده سیاست از دین نامیده می‌شد، در واقع سرمایه‌ای عظیم برای صیانت از تمامیت ارضی، هویت ملی و جان و مال جامعه است. در صحنه بین‌الملل و در میان مسلمانان و آزادگان جهان نیز، ایستادگی مثال‌زدنی مردم ایران با تکیه بر انقلاب اسلامی، نسخه‌ای کارآمد و مستحکم از دین داری در اسلام را به تصویر کشید که گمشده بسیاری از مسلمانان جهان در سال‌های اخیر و مرجمی بر زخم جنایات دشمن بر پیکره جهان اسلام در مسئله فلسطین بود.



مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام یازدهم

حضور پررنگ اجتماعی بانوان در خیابان به معنای باز تولید دین زیسته در جامعه ایران است.



زنان در خانواده ایرانی عموماً نقش حافظ و راوی دین در خانواده را دارند و دین‌داری خانواده حول نحوه دین ورزی آنها و روایتی است که آنها از دین‌داری ارائه می‌دهند. با جنگ تحمیلی سوم، زنان اصلی‌ترین محرک حضور خانواده‌ها در خیابان بودند و خود نیز بسیار بیشتر از مردان در خیابان‌ها حاضر شدند؛ لذا عملاً با آغاز جنگ تحمیلی سوم تاکنون، سلوک روزمره مردم حاضر در خیابان دچار تغییرات جدی شده است. اما آن نیروی پشتیبانی که سبب شده است دین روزمره مردم در سلوک جدید خیابانی بازتولید شود و زیسته متفاوتی برای خانواده‌های ایرانی شکل بگیرد، به خوانشی بازمی‌گردد که زنان از رابطه دین و سیاست داشته و به آن جامه عمل می‌پوشانند؛ بنابراین آنچه امروز حضور مردمی در خیابان‌ها خوانده می‌شود، مناسک بازتولید شده دینی است که خوانش اسلام سیاسی آنها را ایجاد کرده و سبب شده تا زنان، حوزه جدیدی از کنشگری را برای خود کشف کنند و روحیه جمعی ملت ایران را ارتقا دهند. توجه به این مسئله بسیار مهم است که ظرفیت دین داری ایرانیان به‌گونه‌ای است که می‌تواند متناسب با حوادث رخ داده، روند روزمره خود را بازسازی کرده و زیسته جدیدی را خلق کند که بتواند در جهت حفظ و پاسداری امنیت کشور، عمل کند. این نحوه از دین داری، نشان می‌دهد که زنان در حفظ و ترویج دین داری در جامعه، نقشی پیشران دارند و می‌توانند در عرصه اجتماعی، بسیار فعال عمل کنند.

پیام دهم

تنها آیین‌های جمعی توان امیدبخشی، اراده آفرینی، حیات بخشی و حماسه سازی در ایران را دارد.



مناسک و آیین‌ها در ایران زنده و بالنده‌اند؛ از روح عمیق شیعی و اسلامی نشئت می‌گیرند و به‌حسب شرائط، خود را نو می‌کنند. این نوبه‌نو شوندگی توأم با تغذیه از روح و اصل معانی دینی، قوت فرهنگ دینی ایرانیان را نشان می‌دهد. در جنگ تحمیلی هشت ساله دیدیم که چگونه نواحی حماسی-شیعی و روضه‌های شب‌های عملیات و حتی موسیقی‌های انقلابی-حتی از قبل از انقلاب و بعد در میانه جنگ- چگونه مردم را به میدان جهاد و شهادت، و پاسداری از یاد و خاطره شهدا می‌کشاند. این فقط یک برهه بود. بعدها این روند ادامه پیدا کرد و در حوادث گوناگون هماهنگی مناسک با حوادث بارها مشاهده شد. در نمونه اربعین که خود یک حادثه تمدنی است عملاً مناسک و معانی شیعی بازآفرینی شدند و دریایی از اخلاص و خدمت بر محوریت حضرت سیدالشهدا (ع) آفریدند؛ حول آن نیز فناوری‌های اجتماعی‌ای چون موبک و موبک‌داری بازتولید و گسترده شد همان‌طور که انواع نواها و موسیقی‌های مذهبی در هیأت برآمد.

اکنون نیز در میانه کارزار با دشمنان، مناسک خیابانی علاوه بر ایجاد انتظام خاص خود که یک انتظام غیر بروکراتیک و غیرسازمانی به معنای معهود اداری آن است، اراده می‌آفریند؛ زیرا هر فرد، خود را درون جمعی عازم و قاصد می‌یابد. حضور جمعیت انبوهی که با تکبیر و توکل به برترین قدرت، به میدان مبارزه با بدترین دشمنان حق، گام نهاده، امید و حیات و حماسه خلق می‌کنند. اکنون در بستر خیابان‌ها و میادین سراسر ایران، دیدن رقص زیبای پرچم کشور در دست هزاران نفر در اطراف خود، حالتی از ابتهاج و نشاط و اراده خلق می‌کند؛ امروز هر تکهانه پرچم، به معنای ایستادگی و حرکت است.



مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران



مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام دوازدهم

حضور خانوادگی مردم در خیابان نشان داد ماهیت دین داری در ایران خانواده محور است وفردی نشده است.



در زمانی که کشور ما مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، واکنش مردم تنها در قالب حضور فردی شکل نگرفت؛ بلکه خانواده‌ها به‌صورت کامل وارد میدان پشتیبانی اجتماعی شدند. امروز مادران، پدران، کودکان و جوانان، همگی در کنار هم در خیابان‌ها حاضر می‌شوند تا حمایت خود را از کشور و مدافعانش اعلام کنند. این نوع حضور، تنها یک رفتار اجتماعی نیست؛ بلکه آینه‌ای است که ماهیت دین داری در چنین جامعه‌ای را آشکار می‌سازد.

در این شرایط، دین داری امری فردی و محدود به تجربه شخصی نیست، بلکه در بطن خانواده ریشه دارد. وقتی یک خانواده در لحظات تهدید در کنار هم می‌ایستند، نشان می‌دهد که رابطه آن‌ها با دین نه صرفاً یک انتخاب فردی، بلکه یک «فرهنگ مشترک» و «هویت جمعی» است. مادرانی که فرزندان را همراه خود می‌آورند، در واقع پیام می‌دهند که ارزش‌های معنوی و باورهای دینی در این جامعه نسلی و خانوادگی منتقل می‌شود، نه صرفاً از مسیر انتخاب فردی. این حضور خانوادگی در خیابان، تبدیل به نمادی از یک دین داری اجتماعی شده است؛ دینی که نه در گوشه‌نشینی فردی، بلکه در کنار هم بودن، همدلی و دفاع مشترک معنا پیدا می‌کند. از نگاه تحلیلی، وقتی خانواده‌ها در حساس‌ترین لحظات کنار هم ظاهر می‌شوند، روشن می‌شود که ساختار معنوی جامعه بر پایه «خانواده» استوار است؛ خانواده‌ای که هم پشتیبان هویت دینی است و هم ستون مقاومت ملی. هر قدم خانوادگی در خیابان، نشان می‌دهد که ایمان در جامعه ایرانی یک تجربه جمعی و خانوادگی است.



مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام سیزدهم

رفتار جمعی مردم ایران در جنگ نشان داد پیمایش‌های سنجش دین داری توانایی بازنمایی واقعیت دین داری جامعه ایران را ندارد.

در سال‌های اخیر، پیمایش‌های افکار عمومی و سنجش دینداری در ایران، تصویری از افول و کاهش التزام دینی در جامعه ایران ترسیم کرده‌اند؛ اما آنچه در جنگ اخیر رخ داد، صحنه حضور ایمانی و دینداری مردم بود که در واقع نارسایی این پیمایش‌ها را برملا کرد. در این پیمایش‌ها، بسیاری از پرسش‌نامه‌ها به دلیل طراحی غیروومی، بی‌توجهی به لایه‌های هویتی دینداری ایرانی و اتکا به سنجه‌های بعضاً ناکارآمد و محدود، از درک واقعیت هویت ایمانی و دینداری مردم عاجز بودند. افزون بر این، سوگیری‌های تحقیقی برخی افراد یا جریان‌های داخلی و نیز پروژه‌های خصمانه دشمن در قالب جنگ شناختی و انگاره سازی وارونه، همگی در خدمت ارائه آمارهایی نامیدکننده و غیرواقعی در این موضوع بوده که رهبر شهید انقلاب نیز بارها در مقابل نتایج این پیمایش‌ها، مطالبی در موضوع دینداری جامعه ایران مطرح فرموده بودند.

امروزه پس از دفاع مقدس سوم، رفتار جمعی مردم ایران در دل بحران جنگ و تقابل سخت و نرم دشمن، تصویری دیگر از واقعیت دینداری مردم ایران را به نمایش گذاشت. میدان نبرد شاهد استغاثه‌های دسته جمعی مردم به امام زمان (عج)، فداکاری مردم از هر قشر و طبقه و سن و جنسیت در خطوط مقدم نظامی و خیابان بود که با اتکا به هویت دینی و ملی خود و ارزش‌های اسلامی نظیر جهاد و دفاع از وطن و ناموس و مقابله با مستکبر و متجاوز به صحنه آمده بودند. صحنه‌هایی از جانفشانی و شهادت طلبی داوطلبانه رقم خورد که با منطق پرسش‌نامه‌ها و شاخص‌های سنجش، قابل توضیح و تفسیر نبود. در واقع این کنش‌ها، پاسخی عملی به تمام آن نمودارها و شاخص‌های افول سنج و ناکارآمد بود. حقیقت این است که مردم در سایه جمهوری اسلامی و گام اول انقلاب، رشد چشمگیر دینی و معنوی را پشت سر گذاشته‌اند که در مقایسه با ابتدای انقلاب اسلامی، تفاوت معناداری پیدا کرده است. این مهم در حالی بود که سخت‌ترین و سهمگین‌ترین جنگ‌های رسانه‌ای و شناختی دشمن در طول این دهه‌ها، نسبت به مردم ایران اعمال شده است و اوج ظهور این معنویت و دینداری در جنگ اخیر به نمایش گذاشته شد. اکنون و بر مبنای این تجربه عظیم، ضروری است شاخص‌های سنجش دینداری به‌طور بنیادین اصلاح شوند و روایت‌های واقعی میدان، جایگزین اعدادی بعضاً گمراه‌کننده شود و انگاره سازی‌های باطل دشمن و جریان‌های همسو، از دایره تحلیل‌های اجتماعی بیرون رانده شود.

پیام چهارم

پیام قرآنی: از منطق قرآن تا تجربه انقلاب: سرانجام مردم کار را تمام می‌کنند.



در منطق قرآن کریم، هدف غایی از ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی، صرفاً ابلاغ پیام نیست، بلکه بسترسازی برای یک حرکت عظیم اجتماعی است که در آن، خود مردم برای برپایی قسط و عدل قیام کنند. این اصل راهبردی و بنیادین، به وضوح در کلام الهی بیان شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (الحديد: ۲۵). عبارت «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (تا مردم خود به عدالت قیام کنند) محور اصلی این آیه است و نشان می‌دهد که تحقق عدالت، امری مردمی و مبتنی بر اراده و اقدام جامعه است. تا زمانی که همه مردم خود را نسبت به ظلم مسؤول ندانند، عدالت به صورت پایدار محقق نخواهد شد.

این نقش محوری مردم در باری دین خدا تا آنجاست که خداوند حمایت مؤمنان را در کنار نصرت الهی، عامل تأیید و تقویت پیامبرش معرفی می‌کند: «...هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِضُرَّةٍ وَالْمُؤْمِنِينَ» (الأنفال: ۶۲). این همراهی به قدری ارزشمند است که در آیه‌ای دیگر، خداوند و مؤمنان پیرو پیامبر، برای او کافی دانسته شده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جُنُبْكَ اللَّهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الأنفال: ۶۴).

بعثتی که در ملت ایران شاهد آن هستیم، ریشه در همین زیرساخت هویتی پایدار و دینداری عمیق دارد. انس با قرآن کریم و آشنایی با فرهنگ عاشورا و مکتب اهل بیت (ع)، بزرگترین سرمایه انسجام بخش و پشتوانه این حرکت مردمی است. تأکیدات مستمر امامین انقلاب بر محوریت مردم، احساس مسئولیت همگانی و مردمی سازی امور، ترجمان همین آیات نورانی است که نشان می‌دهد کار را همیشه حضور و اراده مردم به سرانجام می‌رساند.



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	رفتارهای دینی در جنگ اخیر نشان داد دین داری ایرانیان دارای زیرساخت هویتی پایدار است.
۵	پیام دوم	ادبیات حماسی و باورهای دینی در تجمعات حاجی از حضور عنصر بنیادین در نظام معنایی تمدنی ایران است.
۶	پیام سوم	سرمایه دینی مهم‌ترین عنصر تولید انسجام اجتماعی در ایران است که در حضور مردمی تجلی یافته است.
۷	پیام چهارم	دین داری در ایران، مناسک زده نشده و توان تولید معنا در سطح کلان دارد.
۸	پیام پنجم	شبکه‌های دینی محله‌ای همچنان منبع اعتماد و محور کنش‌های جمعی است.
۹	پیام ششم	هم افزایی هویت ملی و باور دینی در بسیج عمومی مردمی نشان داد این دوساحت مکمل یکدیگرند.
۱۰	پیام هفتم	مشارکت پررنگ نوجوانان و جوانان در خیابان، انگاره شکاف نسلی در دین داری را ابطال کرد.
۱۱	پیام هشتم	نقش محوری دین در مدیریت نگرانی‌های جمعی موجب پایداری امید اجتماعی در اوج تهدیدهاست.
۱۲	پیام نهم	دین داری سیاسی مردم ایران توانست مانع از وقوع یک بحران سیاسی و امنیتی در کشور شود.
۱۳	پیام دهم	تنها آیین‌های جمعی توان امیدبخشی، اراده آفرینی، حیات بخشی و حماسه سازی در ایران را دارد.
۱۴	پیام یازدهم	حضور پررنگ اجتماعی بانوان در خیابان به معنای باز تولید دین زیسته در جامعه ایران است.
۱۵	پیام دوازدهم	حضور خانوادگی مردم در خیابان نشان داد ماهیت دین داری در ایران خانواده محور است.
۱۶	پیام سیزدهم	رفتار مردم نشان داد پیمایش‌های سنجش دین داری توانایی بازنمایی واقعیت دین داری جامعه ایران را ندارد.
۱۷	پیام چهاردهم	پیام قرآنی: از منطق قرآن تا تجربه انقلاب: سرانجام مردم کار را تمام می‌کنند.

۴۶

نبرد سرنوشت؛

ابطال یک هیاهو

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران



نبرد سرتوشت مجموعه پیام های نبی پیرومن جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران



رفتارهای دینی در جنگ اخیر نشان داد دین‌داری ایرانیان دارای زیرساخت هویتی پایدار است.

جنگ تحمیلی سوم و مواجهه مردم با آن، پرده از حقیقتِ هویتی ملت ایران برداشت و نشان داد هویت تاریخی ایرانیان از عمق دینی ای برخوردار است که تحت شدیدترین شرایط نیز پایدار می‌ماند و خود را متناسب با شرایط جدید، بازاریابی می‌کند. عدم فردی شدن جامعه ایران و فراگیری کمک‌های مؤمنانه و موسسات اجتماعی در سطح کشور، برقراری انواع مناسک جمعی عبادت شامل نمازها و مناجات‌های استغاثه، فعالیت دوجندان گروه‌های خدمات‌رسانی جهادی بسیجی و مردمی در کشور، حضور دائمی در خیابان‌ها و حتی ایجاد حلقه‌های دفاعی در برابر پل‌ها و زیرساخت‌های برقی، جملگی ظرفیت‌هایی هستند که در عمق هویتی ملت ایران نهفته بودند و اکنون در شرایط بحران، فعال شده و شجاعانه سر برآورده‌اند. این جنس از شجاعت، فداکاری و ایثار و شهادت‌طلبی، عناصر هویتی برآمده از دین‌داری ای است که در اعماق وجودی ایرانیان، ریشه دوانده است و با وقوع جنگ، بیش از هر لحظه، سر برآورده است. این آشکارشدگی مظاهر هویتی در ایرانیان، نشان می‌دهد که چگونه انقلاب اسلامی توانسته است دین‌داری ایرانیان را عمق بخشیده و آنها را آماده رویارویی و مقاومت در برابر ارتش اول جهان سازد. روشنفکران طی دو دهه گذشته، دین‌داری در کشور را رو به افول می‌دانستند و مناسک شرعی را تهی شده قلمداد می‌کردند که نمی‌توانند منجر به اخلاق اجتماعی پایدار در جامعه شود؛ اما امروز نقطه مقابل این گفته‌ها به وضوح محقق شده است و اساساً ملت ایران مبتنی بر خوانشی اسلامی و شیعی از توحید و ظرفیت‌های قدرت‌بخش آن، به وحدتی کم‌سابقه و مقدس در برابر دشمن دست یافته‌اند و با ولایت‌پذیری که عنصر بنیادین دین‌داری است، این وحدت را در مسیری که ولی‌فقیه ترسیم می‌کند به کار می‌گیرند.

پیام دوم

همنشینی ادبیات حماسی و باورهای دینی در

تجمعات شبانه حاکی از حضور عنصر بنیادین در

نظام معنایی تمدنی ایران است.



انسان ایرانی در طی تاریخ، نظام معنایی خود را همواره در رابطه‌ای تنگاتنگ با اسلام سامان بخشیده است و آخرین شاهد این ادعا، جنگ تحمیلی سوم است که مبدأ تحکیم دوجندان نظام معنایی تمدنی ایرانیان شده است و آن را به یک افق بالاتری رسانده است؛ تاحدی‌که ملت ایران، خود را مبعوث شده بر رسالتی جدید می‌یابد که با تقویت قدرت ایران، نقشی جدی‌تر در منطقه و جهان پیدا کرده است. تثبیت، توسعه و همگانی‌سازی نظام معنایی ارتقایافته ایرانیان در تمدن خود، برآمده از موقعیت حساس تاریخی‌ای است که این روزها در آن قرار گرفته‌اند. در این ایام، آنچه تثبیت و همگانی‌سازی این نظام معنایی را تقویت می‌کند، تجمعات گوناگونی است که در سطح شهرها برقرار است و به مرکزی برای تحکیم و تثبیت نظام معنایی مذکور در ذهن و باور مردم تبدیل شده است. در مجموع شعارها، اشعار و به‌طورکلی ادبیات حاکم در این تجمعات، چه در زبان حماسی و چه در زبان مرثیه‌سرایی، از آموزه‌های دینی ایرانیان نشئت گرفته و بازتولید باورهای دینی مردم است؛ لذا تجمعات شبانه این ایام، با ادبیاتی که در آن ترویج می‌شود، به‌مثابه منبعی معرفت‌بخش عمل می‌کند که تلاش دارد سنت‌های دینی، گزاره‌های معرفتی اسلامی و حوادث تاریخی شیعه را در نسبت با حوادث این روزها، بازاریابی کرده و به مردم برساند.



نبرد سرتوشت مجموعه پیام های نبی پیرومن جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

سرمایه دینی مهم‌ترین عنصر تولید انسجام اجتماعی در ایران است که در همبستگی عمومی و حضور مردمی تجلی یافته است.



با توجه به تحولات دو سده اخیر، به‌ویژه تحولات چند دهه اخیر در ایران وجهان، بخش قابل‌توجهی از تحلیل‌های اجتماعی درباره جامعه ایران بر این فرض استوار بوده است که دین جایگاه گذشته خود در نظم‌بخشی به جامعه را از دست داده و توان ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی در جامعه را ندارد. این تحلیل‌ها معمولاً با استناد به تغییرات تکنولوژیک، تغییرات سبک زندگی، کاهش مشارکت در برخی مناسک رسمی دین یا افزایش فردیت در دین‌داری و... نتیجه می‌گیرند که دین دیگر نیروی پیونددهنده اصلی جامعه نیست و نمی‌تواند باشد؛ اما جنگ اخیر نشان داد که این برداشت، تصویری ناقص و اشتباه از واقعیت اجتماعی ایران ارائه می‌دهد. در میدان واقعیت و عمل، دین همچنان مهم‌ترین عنصر تولید انسجام اجتماعی در ایران است و دین بیش از هر عامل دیگر در ایران ظرفیت بسیج مردم و پدیدآوردن همبستگی عمومی را دارد. رفتار جمعی ایرانیان در موقعیت جنگ به طور آشکار نشان داد که الگوهای کنش دینی از ایثار و مسئولیت‌پذیری گرفته تا کمک‌رسانی و دفاع از جمع در لایه‌های عمیق فرهنگ عمومی ریشه دارند. آنچه بسیاری از تحلیل‌های رایج از آن غفلت می‌کنند این است که سرمایه دینی جامعه ایران را در سطح ارزش‌های زیربنایی و ساختارهای اخلاقی تحلیل نمی‌کنند. این سرمایه در فرهنگ ما وجود دارد و به‌محض بروز تهدیدها فعال می‌شود و به مردم زبان مشترکی برای حفاظت از کشور، دفاع از مردم و پایبندی به تعهدات جمعی می‌دهد و همین سرمایه دینی است که شبکه‌های خودجوش همیاری را شکل می‌دهد، حضور خیابانی مردم را معنادار می‌کند و کنش‌های فردی را در قالب یک اراده جمعی سامان می‌دهد. مشاهده حضور خانوادگی، مشارکت گسترده زنان و شکل‌گیری فضاهای عمومی هم‌دلانه همه نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی در ایران بر یک منطق دینی ریشه‌دار استوار است. واقعیت جامعه ایران این است که دین همچنان مهم‌ترین و قدرتمندترین عنصر تولید انسجام اجتماعی در ایران است.

پیام چهارم

دین‌داری در ایران، مناسک‌زده نشده و توان تولید

معنادر سطح کلان دارد.

در دو دهه گذشته بخش زیادی از انتقادات و تحلیل‌های جامعه‌شناسی دین درباره ایران به این مسئله پرداخته است که دین‌داری در جامعه به‌تدریج مناسک‌زده شده و به سطح رفتارهای نمایشی، ظاهری، بدون عمق، معنا و تکراری فروکاسته شده است. این تحلیل‌ها عموماً بر این فرض تکیه می‌کنند که به واسطه دخالت سیاست و استفاده ابزاری حکومت از مناسک، دین دیگر قادر به تولید معنا در سطح کلان نیست و تنها در قالب آیین‌های رسمی یا مناسک نمادین حضور دارد. تجربه‌های اخیر بروز مناسکی و اجتماعی دین در میانه جنگ نشان داد که این تحلیل‌ها به‌شدت گمراه‌کننده بوده و برخلاف این ادعاها، دین‌داری در ایران مناسک‌زده نشده و همچنان توان تولید معنا در سطح کلان دارد. زمان نشان داد که مناسک در میانه جنگ توانست انتخاب‌های عقلانی و اخلاقی جمعی را همراه با شور تضمین کند.

یکی از خطاهای رایج در تحلیل‌های افول‌محور دین و دین‌داری در ایران، تمرکز بیش از حد بر مناسک ظاهری و نادیده‌گرفتن لایه‌های معنایی دین در زندگی روزمره مردم است. در واقع، دین در ایران، یک نظام معنایی عمیق است که به جامعه امکان فهم موقعیت، تفسیر بحران‌ها و سازمان‌دهی کنش اخلاقی را می‌دهد. هنگامی که جامعه با تجربه‌های دشوار روبه‌رو می‌شود، این نظام معنایی دینی به مردم، چارچوبی برای درک ارزش‌ها، هدف‌ها و مسئولیت‌های جمعی ارائه می‌کند؛ امری که هیچ دین مناسک‌زده‌ای قادر به انجام آن نیست. قدرت دین در تولید معنا زمانی آشکار می‌شود که جامعه بتواند از طریق آن به فهم مشترک برسد، افق کنش جمعی بسازد و مفاهیمی چون امید، رهایی، وفاداری و مسئولیت را بازتعریف کند. جنگ اخیر نشان داد که دین‌داری ایرانی دقیقاً چنین کارکردی دارد. مردم از طریق مفاهیم دینی نه‌تنها موقعیت‌های فردی، بلکه وضعیت کلان اجتماعی را معنا می‌کنند و رفتار جمعی خود را بر اساس همین معنا سامان می‌دهند و این به خوبی نشان می‌دهد دین‌داری در ایران مناسک‌زده نشده و همچنان یکی از مهم‌ترین منابع تولید معنا در سطح کلان اجتماعی است.



نبرد سرتوشت مجموعه پیام های نبی پیرومن جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

شبکه‌های دینی محله‌ای همچنان منبع اعتماد و محور کنش‌های جمعی است.



در روزهای نخست جنگ، تألم روحی ناشی از بزرگی حادثه و شهادت رهبر انقلاب و جمعی از فرماندهان طبیعتاً باید باعث حیرت و حتی ایستایی جامعه ایرانی می‌شد اما آنچه رخ داد بسیار با چنین وضعیتی فاصله داشت. با اینکه تألم روحی مشهود بود اما هم‌زمان روحیه حماسی و مقاومت، اشتدادی فوق‌العاده یافته بود. این جوش‌وخروش، باید انسجامی حداقلی می‌یافت. سوق طبیعی بسیاری از این جمعیت‌ها به‌سوی محله خویش و حول مسجد محله نشان می‌داد همچنان «محله» نزد افکار و نظام ارزشی بسیاری از ایرانیان معنادار است و برای آن توان و اعتبار کافی قائل‌اند. اگر این اعتماد و اعتقاد به توانمندی و صلاحیت در کار نبود، نباید هیچ حرکتی از محلات شروع می‌شد و حال‌آنکه بسیاری از برش‌های جمعیتی تا هم‌اکنون هم آغاز اجتماع خویش را حول مسجد و محله‌شان سامان داده، بعد از گردهمایی نخست، به سمت نقاط تجمع دیگر شهری اعم از میادین و خیابان‌های اصلی شهر حرکت می‌کنند. نکته بدیع آنکه در عینیت نیز محلات و شبکه‌های داخلی آن با تجهیز امکانات مانند خودرو، سیستم صوتی و موتورهای سیار برق، پرچم‌های بزرگ و گاه مجهز به برخی امکانات پذیرایی مانند کلمن‌های آب یا وسایل چایی مشغول میان‌داری می‌شوند و البته هم‌زمان در بخش ثرم و فرهنگی نیز با آماده‌کردن و هماهنگی شعارها، سخنرانان و دعوت‌های جانبی و مناسبتی این محافل را از لحظه شروع تا پایان هدایت می‌کنند.

این مشارکت و همگرایی چنان بوده است که از ظرفیت مغازه‌داران و معتمدان محلی نیز هم برای کمک و پشتیبانی مالی و لجستیک بهره می‌برند و گاه خود ایشان بخشی از عملیات را ساماندهی می‌کنند. چنین بستر و تنوعات آن نشان‌دهنده ظرفیت شبکه‌های محله‌ای هم از حیث اعتبار اجتماعی و هم از حیث قوت است؛ امری که سوق طبیعی حوادث بدون هرگونه برنامه‌ریزی کلان کشوری گرایش مردم به این سازمان‌یابی محلی را بار دیگر موردتأکید قرار داد.

پیام ششم

هم‌افزایی هویت ملی و باور دینی در بسیج عمومی

مردمی نشان داد این دو ساحت مکمل یکدیگرند.



در سده اخیر به واسطه خواست‌های سیاسی، بخشی از تحلیل‌های اجتماعی درباره ایران را بر این سمت رفته که هویت ملی و باور دینی دو ساحت مستقل هستند، یا هویت دینی اصالت ندارد و برخی حتی آنها را متعارض معرفی کرده‌اند. در این روایت‌ها، ملیت به‌عنوان یک منبع هویتی سکولار و دین به‌عنوان یک منبع هویتی فرعی یا جدا از ملیت تصور می‌شود. قصد آنها از این نوع تحلیل‌ها این است که این را در جامعه برساخت کنند که جامعه ایرانی در حال حرکت به سمت تفکیک این دو حوزه است. اما تجربه‌های اجتماعی و کنش‌های جمعی مردم نشان می‌دهد این تصویر، فهم دقیقی از ساختار هویت در ایران ارائه نمی‌دهد. هم‌افزایی هویت ملی و باور دینی در بسیج عمومی مردمی در جنگ وجودی اخیر نشان می‌دهد این دو ساحت نه تنها مکمل یکدیگرند، بلکه در تجربه تاریخی جامعه ایرانی از یکدیگر قابل‌تفکیک نیستند، چراکه فهم ملی در ایران در طول قرن‌ها بر بستر فهم دینی شکل گرفته و تداوم یافته است. در بسیاری از مقاطع تاریخی که در ادبیات و تاریخ این سرزمین منعکس است، دین، چارچوبی برای تعریف جامعه، دفاع از سرزمین، حفظ فرهنگ و استمرار هویت جمعی بوده است، لذا در تجربه تاریخی ایرانیان، احساس تعلق به سرزمین و پایبندی به باورهای دینی در یک افق معنایی مشترک تعریف شده‌اند و عمده مباحث در دوگانگی این دو مربوط به سده اخیر و متأثر از غرب بوده است. در ایران، دین یکی از مهم‌ترین عناصر منظومه معنابخش به زندگی ایرانیان بوده است؛ عنصری که علاوه بر معنابخشی به زندگی فردی، در حفظ پیوستگی تاریخی ملت نیز نقش ایفا کرده است. به همین دلیل است که در لحظات حساس اجتماعی، احساس مسئولیت ملی و تعهد دینی به طور هم‌زمان فعال می‌شوند و یکدیگر را تقویت می‌کنند.

تحلیل‌هایی که میان ملیت و دین‌داری شکاف ترسیم می‌کنند درکی از این پیوند تاریخی ندارند و با منافع و خواست سیاسی آنها هم خوان نیست. جنگ اخیر دوباره نشان داد که در تجربه اجتماعی ایران ملیت و دین‌داری در این جامعه دو رکن به‌هم‌پیوسته از یک سنت تاریخی‌اند؛ سنتی که در آن، باور دینی یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ، استمرار و بازتولید ملت ایرانی در طول تاریخ بوده است.

پیام پنجم

شبکه‌های دینی محله‌ای همچنان منبع اعتماد و محور کنش‌های جمعی است.



نبرد سرتوشت مجموعه پیام های نبی پیرومن جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام هفتم

مشارکت پررنگ نوجوانان و جوانان در خیابان و فعالیت‌های داوطلبانه آنان، انگار شکاف نسلی در دین‌داری را ابطال کرد.



جنگ اخیر، انگاره جامعه‌شناختی شکاف عمیق نسلی و تئوری‌های مبتنی بر گسست هویتی را با چالشی جدی مواجه ساخته است. از حضور در صحنه‌های سخت‌نظامی همچون شهرهای موشکی و ایست‌های بازرسی تا عملیات‌های آوار‌برداری و ایستگاه‌های صلواتی و خدماتی، صحنه‌های شکوه نقش‌آفرینی جوانان و نوجوانان ایرانی را در دفاع مقدس سوم، به تصویر کشید. این حضور فعالانه نوجوانان و جوانان اثبات می‌کند که ارزش‌های بنیادین دینی و ملی در

جامعه ایران نظیر ایثار، ظلم‌ستیزی و مسئولیت‌پذیری، از بین نرفته و از قالب‌های صرفاً سنتی و مناسکی، به دین‌داری عملی و کنشگری اجتماعی تطور یافته است. هرچند سجاده و هیئت نیز در این سبک زندگی، حضور معنادار دارد. این پدیده، سند روشنی بر موفقیت انتقال پنهان ارزش‌ها در جامعه است. درحالی‌که نظریات سکولار بر قطع ارتباط نسل جدید با میراث قدسی و معنوی خود تأکید دارند، شرایط حساس جنگ و تقابل نظامی، به‌مثابه یک کاتالیزور عمل کرده و دین‌داری پنهان این نسل را به منصه ظهور گذاشت. جوانان، علی‌رغم زیست در اتمسفر رسانه‌های مدرن و بعضاً تفاوت در سبک زندگی ظاهری، نشان دادند که در لایه‌های عمیق شناختی، پیوندی ناگسستنی با روایت‌های کلان مقاومت و دفاع نسل پیشین که برگرفته از مبانی دینی و اسلامی بود، برقرار کرده‌اند. این کنشگری، در واقع نوعی بازتولید همان روحیه تکلیف‌گرایی که گذشته در دفاع مقدس اول است که اکنون با عاملیت مختص به نسل جدید ظاهر شده است.

همچنین گذر از فردیت به جمع‌گرایی فداکارانه در این نسل، خط بطلانی بر ادعای بحران معنا و تهی‌شدگی هویتی است. نسل جدید با اولویت‌دادن مفاهیم و ارزش‌های دینی بر منفعت شخصی خود در بزنگاه‌ها، نشان داد که مفهوم تکلیف را به معنی واقعی کلمه درونی‌سازی کرده است. این هم‌گرایی ارزشی در زمان بحران، روایت نسلی منقطع و خود‌محور را باطل کرده و ثابت می‌کند که انسجام هویتی جامعه، برخلاف تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه، همچنان مستحکم و امتدادیافته است.

پیام هشتم

نقش محوری دین در مدیریت نگرانی‌های جمعی

در جامعه موجب پایداری امید اجتماعی در اوج

تهدیدهاست.



انفعال، ایستایی و افسردگی در هجوم حوادث در جوامع عکس‌العملی طبیعی دانسته می‌شود و حتی برای مقابله با آن در سطح فردی و جمعی پروتکل‌ها و سازمان‌هایی تدارک شده است. اما‌ادگرایی در حین حوادث ناگوار طبیعی امری آشناست. این بدان معناست که بسیاری از مردم در مواجهه با شوک ناشی از حوادث تا مدت‌ها ممکن است متأثر و منفعل شده، حتی از حیات عادی اجتماعی کناره گیرند.

اما در جنگ اخیر که مشخصاً با دو قدرت که

یکی ابرقدرت شناخته می‌شود و دیگری وحشی‌ترین و تروریست‌ترین رژیم، درگیر شدیم و با حوادثی گران چون شهادت رهبر انقلاب و شهدای مظلوم دانش‌آموز میناب و فرماندهانی عالی‌رتبه کشور آغاز شد، مردم ایران به‌گونه‌ای دیگر و فراتر و ورای هرگونه عکس‌العمل طبیعی مواجهه داشتند. ایرانیان گویی بد واحد شدند، از زمین‌ورژمان جوشیدند و رجزخوان و پرشور به میدان و خیابان آمدند؛ دشمن را در طراحی‌اش برای ایجاد هرج‌ومرج داخلی با هسته‌های ترور و درگیری خیابانی به‌کلی ناامید کردند. اگر این جامعه در این هنگامه، مأیوس و سرشکسته بود این جوش‌وخروش بی‌معنی بود؛ ایرانیان با نمایشی از پایداری و مقاومت، سطحی از امید اجتماعی را در اوج تهدید نشان دادند که جهانیان را به حیرت کشانده است. پرسش آن است که آیا این مواجهه قدرتمند و پرروحیه و فعال وقتی یک عکس‌العمل شناخته‌شده نیست از کجا شکل گرفته و قوام یافته است؟ بی‌شک عنصر متمایزکننده جامعه ایرانی، آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه شیعی مکتب الهیبت ^{علیه‌السلام} است که می‌تواند از سوگ، حماسه و حرکت بیافزیند؛ چیزی که ایرانیان در طول قرن‌ها و با تجارب مکرر تاریخی و به‌ویژه تجارب متأخرشان در انقلاب اسلامی بارها آن را فراگرفته و تمرین کرده‌اند. این عکس‌العمل در چنین ابعادی نشان‌دهنده قوت دین و نقش کاملاً محوری آن در حرکت و مدیریت هرگونه نگرانی فردی و اجتماعی است.